

جرم انگاری جرائم نوپدید با بهره‌گیری از هوش مصنوعی

صابر صالح نژاد بهرستاقی^۱، سارا صوفی^۲، علی حیدری پرچکوهی^۳

چکیده

پیشرفت‌های هوش مصنوعی در سال‌های اخیر، فرصت‌های جدیدی را برای جامعه بشری به ارمغان آورده است. با این حال، این پیشرفت‌ها، خطرات و چالش‌های جدیدی را نیز به وجود آورده‌اند. یکی از این چالش‌ها، افزایش جرائم مرتبط با هوش مصنوعی است. با گسترش استفاده از فناوری‌های جدید، شناسایی و مقابله با جرائم نوپدید اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. جرم‌انگاری این جرائم به منظور حفاظت از حقوق افراد، حفظ امنیت جامعه و پیشگیری از گسترش فعالیت‌های غیرقانونی در فضای مجازی ضروری است. عدم جرم‌انگاری این جرائم، می‌تواند منجر به افزایش آن‌ها و آسیب‌های جدی به جامعه شود. جرائم نوپدید هوش مصنوعی، جرائم مرتبط با فناوری جدید است که ناشی از استفاده از این فناوری است که می‌توان به فیشینگ، فارمینگ، قماربازی اینترنتی، کلاهبرداری اینترنتی اشاره نمود. جدید و نوپدید بودن این فناوری و جرائم ارتكابی در این حوزه، متضمن این امر است که برخی از این جرائم، در انعکاس اندیشه‌های قانون‌گذار متجلی نشده است و جرم‌انگاری آن نیز محقق نشده است. تحقیق حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است درصدد بررسی امکان جرم‌انگاری جرائم ارتكابی با استفاده از هوش مصنوعی است. یافته‌های تحقیق نشان از آن دارد که، با توجه به جرائم ارتكابی از طریق هوش مصنوعی، می‌توان بنابر اصول مختلفی قائل به امکان جرم‌انگاری این قسم از جرائم بود. به بیانی، بر طبق اصولی از جمله اصل لا ضرر، مصلحت و..... می‌توان قائل به جرم‌انگاری جرائم نوپدید بود.

کلمات کلیدی: هوش مصنوعی، جرم‌انگاری، فناوری‌های نوین، فارمینگ، فیشینگ.

^۱دکتری تخصصی، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد شهید مفتح، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

saber.salehnezhad@gmail.com

^۲کارشناسی ارشد، گروه حقوق جزاء و جرم‌شناسی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

s.soufi1981@gmail.com

^۳کارشناسی ارشد، برنامه ریزی درسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

heydarealiplip@gmail.com

مقدمه

هوش مصنوعی به عنوان یک فناوری نوین، پتانسیل‌های فراوانی در بهبود جامعه و کیفیت زندگی افراد دارد و نقش‌های متعددی در حوزه‌های مختلف دارد. با توجه به رشد روزافزون این فناوری، انتظار می‌رود نقش و اهمیت هوش مصنوعی در جامعه به‌طور مداوم افزایش یابد (ابوذری، ۱۴۰۱: ۲-۳).

هوش مصنوعی، به معنای استفاده از الگوریتم‌ها و مدل‌های کامپیوتری برای تقلید و تقویت قابلیت‌های ذهنی انسان‌ها است. هدف اصلی هوش مصنوعی، ساخت و توسعه سیستم‌ها و برنامه‌های کامپیوتری است که می‌توانند از تجربیات گذشته یاد بگیرند، الگوها و قواعد را شناسایی کنند، تصمیم‌های خودکار بگیرند و با محیط‌های پیچیده و تغییرات مختلف تعامل کنند. هوش مصنوعی به چندین زیر حوزه تقسیم می‌شود که شامل تکنیک‌ها و روش‌های مختلفی است. این زیر حوزه‌ها شامل یادگیری ماشینی، پردازش زبان طبیعی، بینایی ماشین، پردازش گفتار و سیستم‌های خبره می‌شوند. استفاده از هوش مصنوعی در حال حاضر در بسیاری از زمینه‌ها از جمله صنعت، بهداشت، حمل و نقل، تجارت، مالیات و خدمات مشتری به‌طور گسترده‌ای انجام می‌شود و این تکنولوژی در حال بهبود و تغییر مستمر است. هوش مصنوعی از دهه‌های گذشته تاکنون تحولات چشمگیری را تجربه کرده است و با پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی، انتظار می‌رود که نقش و اهمیت آن در جامعه به‌طور روزافزون افزایش یابد. گسترش استفاده از هوش مصنوعی، عدم شناخت و آگاهی کاربران از بعد فنی این موضوع و همه‌گیر گشتن تعاملات از طریق آن‌ها و درگیر نمودن قسمتی از زندگی افراد، موجب وقوع جرائم گوناگونی از جمله جعل، کلاهبرداری، تقلب در آزمون‌ها و.... در این رابطه گردیده است. استفاده از این فناوری، گرچه فرصت شایسته‌ای را جهت به اشتراک‌گذاری علوم گوناگون، سوابق شغلی و حرفه‌ای به وجود آورده است، ولی تبعات ناخوشایندی از جمله ارتکاب جرائم را نیز به دنبال داشته است، که در عصر کنونی در رسانه‌ها شاید و ناظر وقوع جرائم در این حوزه هستیم. به علت پیشرفت روزافزون فناوری هوش مصنوعی، همیشه جرائم جدید و نوپدید ارتکاب یافته که گاه بعضی از آنان به‌طور مستقیم در قانون پیش‌بینی نشده‌اند و این موضوع کار دستگیری این مجرمان و قضاوت در این قبیل پرونده‌ها را دشوار می‌سازد. از جمله این جرائم می‌توان به جرائم ارتكابی از طریق هوش مصنوعی اشاره کرد. آن‌طور که بیان گردید، بعضی از این جرائم در قانون پیش‌بینی نشده است و با دقت به اینکه هوش مصنوعی و استحکام بنیان آن برای تأمین کارکردهای آن، از جایگاه خاصی برخوردار است و از سویی احتمال وقوع جرائم گوناگون نیز قابل تصور است، جرم‌انگاری رفتارهای ضد اجتماع با استفاده از هوش مصنوعی مورد توجه قرار گرفته است، بر همین اساس، پرداختن به موضوع جرم‌انگاری جرائم با استفاده از هوش مصنوعی دارای اهمیت زیادی می‌باشد (قاید رحمتی، ۱۳۹۵، ۱۲).

جرم‌انگاری پروسه‌ای است که برابر آن مقنن با تکیه بر مبانی نظری و با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی مورد نظر خود، به تحدید آزادی‌های اشخاص در قلمرو اجتماع می‌پردازد. در این بین در هر نظام سیاسی و حکومتی، متأثر از تفکرات سیاسی حاکم بر اجتماع، اقدامات کیفری مقنن به سمت وسوی خاصی سوق می‌یابد. بدین‌سان معیارهای جرم‌انگاری نیز، نسبی و متناسب با ایدئولوژی حاکم بر جامعه و نظام سیاسی طراحی و ترسیم می‌گردند. نسبی بودن معیارهای جرم‌انگاری، علاوه بر ایدئولوژی و خط‌مشی سیاسی، تا حدود زیادی از تحولات و پیشرفت‌های نوین علمی نیز نشأت می‌گیرد. مبانی و معیارهای جرم‌انگاری اعمال نابهنجار نیز در هر مرحله از زندگی جوامع بشری دستخوش تغییر و تحولات عدیده‌ای می‌شوند. درواقع راهبردهای حقوق جزا ایستا نیستند و به‌عنوان مجموعه‌ای منسجم و پویا، پیوسته متناسب با تحولات اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی جامعه در حال تغییرند (آقابابایی، ۱۳۸۴، ۱۱-۱۲).

در ارتباط با امکان جرم‌انگاری جرائم با استفاده از هوش مصنوعی، دو نظریه کلی را می‌توان ذکر کرد:

دیدگاه نخست عدم امکان جرم انگاری: طبق یک عقیده، شخص در اعمال مربوط به خویش، آزادی‌اش مطلق است و محدوده‌ای بر آن متصور نیست و بر این نظرند که، شخص بر خویشتن و بر تن و جان خود، سلطان مطلق خواهد بود. طبق این نظر، حوزه خصوصی (امر خصوصی) که استفاده از هوش مصنوعی را می‌توان جزئی از آن تلقی نمود، چیزی است که بایستی از دخالت دولت به‌عنوان اداره‌کننده حوزه عمومی و نظارت شهروندی، مصون ماند، که همین مسئله نهاد حریم خصوصی را خاطرنشان می‌سازد (نوبهار، ۱۳۹۲، ۴۹).

بنابراین طبق دیدگاه فوق، جرم انگاری جرائم با استفاده از هوش مصنوعی با دقت به اینکه استفاده از این فناوری موضوعی خصوصی تلقی می‌شود، بنابراین قانون‌گذار نمی‌تواند به جرم انگاری این اقدام کند. ولی این نظر با واقعیت‌های جامعه کنونی، منطبق نیست.

دیدگاه دوم امکان جرم انگاری جرائم با استفاده از هوش مصنوعی: دیدگاه دوم قائل به جرم انگاری جرائم با استفاده از هوش مصنوعی می‌باشد. اصول جرم‌انگاری که اکثراً گویای قواعد بنیادین جرم‌انگاری مثل اصل ضرر، اخلاق‌گرایی حقوقی و مصلحت، در خصوص تمام مواردی که نیاز به بزه شمردن یک عمل هست بایستی رعایت گردند. مثلاً در بررسی اصل ضرر در جرم انگاری جرائم با استفاده از هوش مصنوعی می‌توان بیان داشت، یکی از اصلی‌ترین مبانی جرم انگاری این اقدام، مبنا یا اصل ضرر است که در خیلی از نظام‌های حقوقی، به‌عنوان مبنایی معقول جهت تحدید آزادی شهروندی و امکان دخالت قدرت عمومی پذیرفته شده است (حاجی ده آبادی و حاجی ده آبادی، ۱۳۹۲، ۳۵).

با توجه به موارد مذکور، می‌توان بیان نمود که دیدگاه دوم منظور امکان جرم انگاری جرائم با استفاده از هوش مصنوعی قابل قبول باشد و بتوان با استناد از اصول حاکم بر جرم انگاری دست به جرم انگاری جرائم با استفاده از هوش مصنوعی زد. به همین جهت پرسشی که این تحقیق قصد داشته بدان پاسخ دهد اینکه، با توجه به اینکه جرائمی با استفاده از هوش مصنوعی ارتکاب می‌یابد، امکان جرم انگاری آن وجود دارد؟ و این امر بر مبنای چه اصول و مبنایی استوار است؟

مبنای نظری

هوش مصنوعی، به معنای هوش و توانایی‌هایی است که توسط ماشین‌ها و سیستم‌های کامپیوتری برای انجام فعالیت‌های هوشمندانه و تصمیم‌گیری استفاده می‌شود. این فراداده به ماشین‌ها امکان می‌دهد تا الگوها را تشخیص داده، داده‌ها را تحلیل کرده و مسائل را مدیریت کنند. هوش مصنوعی شامل مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و الگوریتم‌ها است که به ماشین‌ها این قابلیت را می‌دهد تا با بررسی و تحلیل داده‌ها، الگوهای پنهان در آن‌ها را شناسایی کنند و بر اساس آن‌ها تصمیم‌گیری کنند. این فناوری در حال حاضر در بسیاری از زمینه‌ها مانند رباتیک، پردازش زبان طبیعی، تشخیص تصویر، پشتیبانی تصمیم‌گیری، خودران‌سازی و سیستم‌های هوشمند به کار می‌رود. هدف اصلی هوش مصنوعی ایجاد سیستم‌هایی است که قادر به انجام وظایفی مشابه به انسان باشند و در برخی موارد حتی بتوانند عملکرد بهتری نسبت به انسان داشته باشند. به عبارتی، هوش مصنوعی به مجموعه‌ای از تکنیک‌ها، الگوریتم‌ها و فرآیندهای کامپیوتری اشاره دارد که به کامپیوترها و سیستم‌های مصنوعی امکان می‌دهد کارهایی را انجام دهند که به نظر می‌رسد نیازمند انسانیت و هوش ذهنی باشند. هدف اصلی هوش مصنوعی، شبیه‌سازی و تقلید عملکرد انسانی در زمینه‌هایی مانند تصمیم‌گیری، یادگیری، استدلال، تشخیص الگو، پردازش زبان طبیعی و بینایی ماشین می‌باشد. تکنیک‌ها و روش‌های مختلفی در دسته‌بندی هوش مصنوعی وجود دارد که شامل موارد زیر می‌شود:

- یادگیری ماشینی: این رویکرد به کامپیوترها امکان می‌دهد از داده‌ها یاد بگیرند و با استفاده از الگوریتم‌های مختلف، پتانسیل تشخیص الگوها و انجام پیش‌بینی‌ها را داشته باشند.

- شبکه‌های عصبی مصنوعی: این مدل‌ها به تقلید از ساختار مغز انسان پرداخته‌اند. اطلاعات با استفاده از نورون‌های مصنوعی در لایه‌های مختلف پردازش می‌شود و این مدل‌ها برای مسائل پیچیده‌تر مانند تصویربرداری و تشخیص الگو بسیار مؤثر هستند.

-پردازش زبان طبیعی: این حوزه به کامپیوترها امکان می‌دهد تا متون و گفتار انسانی را تشخیص داده و تفسیر کنند. این امر شامل ترجمه ماشینی، تولید متن خودکار، تحلیل مضمون متون و مکالمات با کامپیوترها می‌شود.

-بینایی ماشین: این زمینه به کامپیوترها امکان می‌دهد تصاویر و ویدئوها را تحلیل و تشخیص دهند. این شامل تشخیص و شناسایی اشیاء، چهره‌ها، شناسایی وضعیت و ویژگی‌های تصاویر می‌شود.

-منطق فازی: در این رویکرد، مفاهیمی مانند صحیح یا غلط با در نظر گرفتن ابهامات و مبهمی‌ها تعریف می‌شوند. این به کامپیوترها امکان می‌دهد با مفاهیم پیچیده‌تر و واقع‌نزدیک‌تر کار کنند.

هوش مصنوعی به صورت یکی از فناوری‌های پیشرفته و چالش‌برانگیز، در مختلف صنایع و زمینه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و بهبودهای چشمگیری در کارکردها و امکانات مختلف ارائه داده است (قائد رحمتی، ۱۳۹۵: ۲۴-۲۵).

اصول حاکم بر جرم انگاری جرائم هوش مصنوعی

۱- اصل مشروعیت

مطابق مبانی فقهی چون مجازات نوعی تصرف در مال، جان، عضو، آزادی و حیثیت دیگری می‌باشد، پس نوعی ولایت بر دیگری است و اصل اقتضای آن را دارد که کسی بر دیگری ولایت ندارد، مگر اینکه دلیل قطعی بر آن وجود داشته باشد. این امر قانون‌گذاران را از جرم انگاری دلخواه و گسترده رفتارها منع و آنان را ملزم می‌کند تا جرم انگاری را به مواردی محدود سازند که یک رفتار، صدمه و سرزنشی شدید در پی دارد. هر جرم انگاری نوعی مداخله و ایجاد محدودیت فراروی حقوق و آزادی‌های افراد است. لذا در حقوق کیفری کرامت محور که پاسداری از حرمت و کرامت افراد، دل‌مشغولی سیاست‌گذاران کیفری است، در هر مورد از جرم انگاری باید چنان مصلحتی در حمایت از حقوق و آزادی‌های افراد وجود داشته باشد که بر مفسده ناشی از محدود کردن این حقوق و آزادی‌ها چیرگی داشته باشد.

به عبارت دیگر جرم‌انگاری در مجموع باید مانع افزایش خودمختاری و باعث افزایش حرمت و حیثیت شهروندان گردد (نوربها، ۱۳۹۲، ۲۲۳).

در محیط سایبری و به تبع آن استفاده از هوش مصنوعی به اقتضای ویژگی‌های خاص و از جمله سهولت ارتکاب جرم در این محیط، امکان رخ دادن پدیده نامطلوب جرائم با استفاده از هوش مصنوعی از سوی کاربران بیشتر می‌شود. چراکه یکی از ویژگی‌های به‌واقع متمایز و درعین‌حال ارزشمند فناوری هوش مصنوعی نسبت به دیگر محیط‌های واقعی، حداقل در برهه کنونی این است که اکثر افراد با حداقل مهارت می‌توانند از قابلیت‌های متنوع این محیط استفاده کنند.

به تبع این امر ارتکاب جرم باهوش مصنوعی نیز بسیار راحت است. هرکس با داشتن یک تلفن همراه و اینترنت و یک هوش مصنوعی، می‌تواند مجرمی بالقوه باشد و در کمترین حالت مرتکب جرم گردد. ارتکاب جرم برای شهروندان باهوش مصنوعی بسیار بیشتر از شهروندان دنیای واقعی است. لکن زمانی باید به جرم انگاری از این پدیده نامطلوب پرداخته شود که آن فعل یا ترک فعل صدمه و سرزنش قابل توجهی را در پی داشته باشد. درواقع شناسایی جامع مخاطرات محتمل از ناحیه هوش مصنوعی در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، پیش شرط قانون‌گذاری خوب و اجرای موفق قانون در این زمینه است (جوان جعفری، ۱۳۸۵، ۳۱).

برخی جرائم موجود در قانون جرائم رایانه‌ای فاقد قباحت ذاتی هستند و به این جهت وقوع آن‌ها سرزنشی را در پی نخواهد داشت. برای مثال ماده ۲۴ قانون جرائم رایانه‌ای در خصوص استفاده بدون مجوز از پهنای باند بین‌المللی، بدین صورت اقدام به جرم انگاری نموده است: «هرکس بدون مجوز قانونی از پهنای باند بین‌المللی برای برقراری ارتباطات مخابراتی مبتنی بر پروتکل اینترنتی از خارج ایران به داخل یا برعکس استفاده کند، به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از یکصد میلیون تا یک میلیارد ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

این در حالی است که در اکثر کشورهای پیشرفته در عرصه داده‌پردازی، استفاده از با استفاده از هوش مصنوعی با پهنای باند پرسرعت بین‌المللی و بهره‌گیری از این‌گونه ارتباطات، به‌عنوان یک حق شهروندی پذیرفته‌شده است. بنابراین پیش‌شرط جرم انگاری جرائم با استفاده از هوش مصنوعی، رعایت اصل صدمه و اصل سرزنش، است. اگر رفتاری که قانون‌گذار آن را جرم شناخته است به‌قدر کافی صدمه و سرزنش در پی نداشته باشد حقوق و آزادی‌های افراد مخدوش خواهد شد و مردم عملاً از دستور قانون‌گذار مبنی بر عدم ارتکاب چنین رفتاری سرپیچی خواهند کرد، کما اینکه در مورد استفاده از فیلترشکن‌ها این سرپیچی نمودار شده است.

۲- اصل ضرورت

اصل در اعمال انسانی، اباحه و آزادی است. در اصل حقوق کیفری به‌عنوان آخرین راه‌حل، بحث از این می‌شود که «حقوق کیفری نباید دخالت کند، مگر در قالب آخرین راه‌حل» و زمانی می‌توان برای نیل به اهداف اجتماعی از ابزار کیفری استفاده کرد که دخالت کیفری تنها ابزار انحصاری نیل به آن اهداف بوده و استفاده از آن، ضروری باشد. اگر سایر ابزارها بتوانند همانند حقوق کیفری یا بهتر از آن عمل کنند و درعین‌حال به‌آسانی اجرا شوند، نمی‌توان از ابزار کیفری، استفاده کرد. اصل ضرورت در جرم انگاری بیانگر آن است که حقوق کیفری نباید دخالت نماید، مگر اینکه به‌عنوان آخرین راهکار ضروری، مجبور به استفاده از آن باشیم

اصل ضرورت در جرم انگاری به این معنا است که استفاده از حقوق کیفری، برای عملی که قابلیت کنترل را دارد و نیز لازم است بر آن عمل نظارت وجود داشته باشد، در صورتی خواهد بود که آن عمل با استفاده از دیگر ابزارهای غیرحقوقی و حقوقی غیر کیفری، محدود نشده باشد و در ثانی، به‌کارگیری حقوق کیفری منوط به این است که بر اساس نیاز جدی و شدید همزیستی مسالمت‌آمیز، توسل به ابزار جزایی، ضرورت داشته باشد و این ضرورت، تابع مبانی و اصول است. بنابراین اگر ضرورت ناشی همزیستی مسالمت‌آمیز وجود نداشته باشد، وضع قوانین جزایی محدودیتی ناروا خواهد بود و مهم‌ترین راه برای سنجش لزوم قوانین کیفری، تطبیق آن با واقعیت‌های جامعه و نیاز آن است. اصل ضرورت به چیزی بیش از نیاز به جرم انگاری اشاره می‌کند و آن اینکه نباید جرم انگاری کرد، مگر اینکه دخالت، ضرورت داشته باشد و در ثانی این دخالت بر اساس مبانی و اصول بوده و همچنین مؤثر باشد.

در همین راستا اصل ضرورت، بدون تأکید ویژه بر اولین و آخرین راه‌حل، جرم انگاری را در حالت ضرورت موجه می‌داند. حقوق کیفری دارای یک کارکرد خاص است و تا زمانی که این کارکرد مورد تحلیل قرار نگیرد، در تعلق رفتارها به حقوق کیفری همیشه می‌توان شک کرد و در صورتی که در میدان عمل رفتاری توسط سایر ابزارها کنترل نشد، استفاده از ابزار کیفری در صورتی خواهد بود که رسالت و فلسفه حقوق کیفری در آن عمل نمود یابد و صرف عدم موفقیت سایر ابزارها، توجیه‌کننده استفاده از ابزار کیفری نخواهد بود. در همین ارتباط بیان‌شده است: برداشت سطحی از این اصل می‌تواند این باشد، اگر ابزارهای غیر کیفری در نیل به اهداف قانون‌گذار بر ابزار کیفری ترجیح و برتری داشتند، نباید از ابزار کیفری استفاده کرد. این برداشت ابتدایی و ساده است؛ چراکه چیز خاص یا جدیدی را بیان نمی‌کند و این‌یک مسأله پذیرفته‌شده است که ابزار غیر کیفری بر ابزار کیفری تقدم دارد. بر اساس برداشتی دیگر، در صورتی که ابزارهای غیر کیفری که همانند حقوق کیفری مؤثر هستند، وجود داشته باشند، نباید حقوق کیفری به کار گرفته شود.

مهم‌ترین بایسته در زمینه جرم انگاری از یک عمل، ضرورت و ناگزیر بودن جرم شمردن آن عمل است لذا برای جرم انگاری از یک عمل پس از آنکه ثابت شد که رفتار بر اساس یک سلسله اصول نظری راجع به جرم انگاری در حیطه صلاحیت قضایی جامعه یا اقتدار دولتی قرار دارد؛ به عبارت دیگر باید اثبات شود که دولت به مداخله در حوزه حقوق و آزادی‌های شهروندان از

طریق ممنوعیت یا ایجاد محدودیت کیفری مجاز می‌باشد. باید دید که آیا راه‌های موفقیت‌آمیز دیگری وجود دارد که وقوع عمل را بدون به‌کارگیری ماشین نظام عدالت کیفری تقلیل دهد، یا نه؟.

به بیانی دیگر جرم شمردن یک فعل یا ترک فعل باید آخرین حربه برای نیل به خواسته مقنن باشد. لذا باید گفت استفاده از ضمانت اجرای کیفری برای حمایت از ارزش‌ها و ایدئال‌ها آنگاه مجاز است که نتوان از سایر ضمانت اجرای بهره جست. اتکای اصل ضرورت هم بر ادله حقوقی و هم بر مبانی فقهی است تا آنجا که می‌توان ادعا کرد مقررات جزایی اسلام، کیفر را برای نفس مجازات مقرر نداشته بلکه آن را به‌عنوان آخرین اقدام در جهت تأدیب و تربیت افراد، اصلاح جامعه و از بین بردن تباهی‌ها مدنظر قرار داده است (گلدوزیان، ۱۳۹۶، ۲۷).

از منظر حقوقی قطع‌نظر از نظریه‌هایی چون تسامح صفر و پدرسالاری قانونی مطابق با اغلب نظریه‌هایی همچون پالایش، اصل منع صدمه، اصل ضرر و ...، که در خصوص اصول جرم انگاری ابرازشده، می‌توان گفت در هر جامعه‌ای که برای آزادی‌اش ارزش قائل است باید از حقوق جزا تنها به‌عنوان آخرین راه‌حل برای کنترل اجتماعی استمداد شود. استفاده ابزاری از حقوق کیفری و ضمانت اجرای مجازات، علاوه بر آنکه اقتدار حقوق کیفری را درهم می‌شکند، تأثیر چندانی هم در القای ارزش‌های مدنظر قانون‌گذار به جامعه ندارد (حاجی ده آبادی و سلیمی، ۱۳۹۳، ۶۶-۶۷).

اصل ضرورت در جرم انگاری جرائم با استفاده از هوش مصنوعی جایگاه ویژه‌ای دارد و با اعمال این اصل به یک جرم انگاری حداقلی دست خواهیم یافت. چه آنکه به اقتضای شرایط خاص حاکم بر فضای هوش مصنوعی و امکانات ویژه آن، به‌راحتی می‌توان قبل از رسیدن کار به مرحله جرم انگاری، از وقوع بسیاری از جرائم پیشگیری کرد. درواقع امکان پیشگیری از جرم در عرصه فضای مجازی و بهره‌گیری از هوش مصنوعی اعم از پیشگیری اجتماعی یا وضعی بسیار مساعد است. پیشگیری اجتماعی و مقوله آموزش که در رهنمود عملی پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد هم بر آن تأکید شده، امر خطیری است که به چند شکل به پیشگیری از جرائم نوپدید کمک می‌کند. توضیح بیشتر اینکه، می‌توان مدعی بود با توجه به اینکه جرائم نوپدید عمدتاً توسط افراد کم‌تجربه صورت می‌گیرد، آموزش به افرادی که احتمالاً در معرض این جرائم هستند برای مقابله با این جرائم بسیار سودمند است. آموزش تدابیری که به‌وسیله آن‌ها امنیت اطلاعات اشخاص تأمین می‌شود نیز بسیار ضروری است و بدین‌وسیله از بسیاری جرائم نوپدید، که در ارتباط با محرمانگی داده‌هاست، جلوگیری به عمل می‌آید. پیشگیری وضعی نیز در جرائم با استفاده از هوش مصنوعی بسیار کارآمد است. به بیان ساده، پیشگیری وضعی در جرائم با استفاده از هوش مصنوعی مجازی از جایگاه خاصی برخوردار است. ملاحظه می‌شود که در محیط سایبری شیوه‌های متفاوتی برای پرهیز از جرم انگاری وجود دارد و با به‌کارگیری تدابیر پیشگیری به‌راحتی می‌توان اهداف موردنظر مقنن را تأمین کرد (رضوی، ۱۳۹۶، ۱۲۴).

۳- اصل احترام به حریم خصوصی

جرم انگاری و مجازات اگرچه مطلوب یک جامعه نیستند، اما اهدافی آرمانی را دنبال می‌کنند که اصلاح بزهکار، حمایت از جامعه در مقابل بزه و تحقق عدالت بخشی از آن‌هاست. به دلیل والا بودن این اهداف باید جرم‌انگاری، مجازات و برخورد با بزهکار به‌گونه‌ای باشد که موجبات نقض غرض را فراهم نکند. از این حیث، رعایت حریم خصوصی، کرامت انسانی و موازین بین‌المللی حقوق بشر حائز اهمیت ویژه‌ای هستند. برای مثال کنوانسیون جرائم سایبری در ماده (۱۵) خود با عنوان شروط و تضمین‌ها، دولت‌های عضو را موظف کرده به هنگام وضع قوانین و مقررات مطابق این کنوانسیون، حقوق و آزادی‌های فردی ازجمله حریم خصوصی افراد را مطابق قوانین و مقررات بین‌المللی دقیقاً رعایت کنند. در بخشی از این ماده آمده است: «اعضا باید اطمینان دهند که حمایت شایسته‌ای از حقوق و آزادی‌های بشری به عمل می‌آورند که شامل حقوق برخاسته از تعهداتی است که آن‌ها در کنوانسیون شورای اروپا راجع به حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی بشر (۱۹۵۰) و سایر اسناد لازم‌الاجرای حقوق بشری پذیرفته‌اند (جلالی فراهانی، ۱۳۸۹، ۵۸).

با توجه به آنچه گفته شد ملاحظه می‌شود که در قوانین مختلف به نحو بارزی بر رعایت حریم خصوصی تأکید شده است لذا با توجه به اینکه علاوه بر بخش اعظم ارتباطات الکترونیکی در فضای سایبر شامل صحبت در محیط‌های گپ و کنفرانس‌های شبکه‌ای و پست‌های الکترونیکی، شکل‌های دیگری از ارتباطات سایبری وجود دارد که می‌توان هریک از این محیط‌ها را مصداق حریم خصوصی دانست لازم است از هرگونه تفتیش، شنود و دستیابی غیرمجاز مصون باشند.

نکته قابل تأملی که نباید از آن غافل بود این است که علاوه بر اینکه قانون‌گذار خود ملزم به رعایت حریم خصوصی افراد و کاربران هوش مصنوعی می‌باشد باید نگهبان حریم خصوصی کاربران در مقابل دیگران اعم از سایر کاربران یا ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی و ... هم باشد. باین حال، متأسفانه در قانون جرائم رایانه‌ای تمهید مناسبی جهت جلوگیری از نقض حریم خصوصی کاربران و کاوش در فعالیت‌های صورت گرفته توسط آنان به وسیله ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی اندیشیده نشده است. ماده ۳۲ قانون جرائم رایانه‌ای ارائه‌دهندگان دسترسی را ملزم به نگهداری داده‌ها نموده است، این ماده مقرر می‌دارد: «ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی موظف‌اند داده‌های ترافیکی را حداقل تا شش ماه پس از ایجاد و اطلاعات کاربران را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک نگهداری کنند».

هرچند مصداق نقض حریم خصوصی کاربران توسط ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی به موجب مواد ۱ و ۲ قانون جرائم رایانه‌ای قابل مجازات است، اما بهتر بود قانون‌گذار تبصره‌های را ذیل ماده ۳۲ مبنی بر مجازات شدیدتر تفتیش غیرقانونی حریم خصوصی کاربران توسط ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی قرار می‌داد.

۴- اصل مصلحت عمومی

مصلحت عمومی یکی از مهم‌ترین و البته بحث‌برانگیزترین مفاهیم و معیارهای مطرح در حوزه فلسفه اخلاق و سیاست و حقوق است. فینبرگ براساس مبنای سودانگاری، «نفع رسانی به دیگران» را که ما مصلحت عمومی می‌نامد- به عنوان یکی از اصول جرم انگاری مطرح می‌کند. بر اساس آن محدود کردن حقوق و یا آزادی فردی برای تهیه و فراهم کردن منافع اشخاص دیگر، ضروری است و دولت برای جلب منافع دیگران - خواه فرد (به جز کننده کار یا رفتار) و خواه گروه یا اجتماع - می‌تواند فعل یا ترک فعلی را الزام و برای نقض آن ضمانت اجرای کیفری وضع کند. در این اصل از یکسو ادعا این است، که حکومت فقط مجاز به اقداماتی است که در جهت مصالح عامه قرار دارند و از سوی دیگر، اصل، خود می‌تواند توجیهی برای بسیاری از اقدامات دولتی قرار گیرد که در نگاه نخست اقداماتی غیرموجه و ناقض اراده آزاد اشخاص به شمار می‌رفتند. (راسخ، ۱۳۸۷، ۸۵).

در تعاریفی که برای مصلحت ذکر شد مشاهده کردیم که مصلحت برگرد محور منفعت دور می‌زند، ولی این منفعت‌گرایی در دیدگاه‌ها و مکاتب مختلف دارای قالب‌ها و چارچوب‌های متفاوتی می‌باشد. برای مثال بسیاری از فقها اسلام وقتی درباره مصلحت به بحث و گفتگو می‌نشینند هماهنگی آن را با مقاصد شرع یا اهداف شارع مورد لحاظ قرار می‌دهند یا برخی دیگر برای توسل به مصلحت سه ضابطه کلی، قطعی و ضروری بودن را مورد توجه قرار داده‌اند، درحالی‌که در مکاتب ساخته ذهن و فکر بشری منفعت‌گرایی یا مصلحت‌گرایی یا مصلحت با ضوابط یا معیارهای متفاوت به کار می‌رود.

الف- مصلحت در تقابل با عدالت: در مواردی اجرای عدالت و تحقق آن باعث بروز مشکلاتی در جامعه می‌گردد. حال برای روبرو نشدن با این مشکلات و آثار منفی اجرای عدالت، تحقق عدالت را متوقف می‌کنیم. به عبارت دیگر اجرای عدالت به دلیل مفاسدی که در پی دارد متوقف می‌شود. این مفهوم از مصلحت در موارد زیر به چشم می‌خورد: معاذیر قانونی، اعاده دادرسی، مرور زمان، مفروض بودن عنصر معنوی در جرائم مادی صرف... برای مثال به طور خلاصه مرور زمان را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم. مرور زمان، مدت زمانی است که پس از انقضای آن دعوی شنیده نمی‌شود یا مجازات ساقط می‌گردد. در سال‌های ابتدای انقلاب اسلامی، شورای نگهبان مرور زمان را خلاف شرع تشخیص داد و این نظر باعث شد که مرور زمان از قوانین

حقوقی حذف شود، البته قضات در آن مقطع زمانی این عدم مشروعیت و خلاف شرع بودن را به قوانین کیفری تسری دادند و در قوانین کیفری نیز به مسائل مربوط به مرور زمان توجه نشد. به نظر می‌رسد مرور زمان یکی از مصادیق بسیار مهم توسل به مصلحت است ولی چرا؟ برای کشف علت و پاسخ، این فرض را مطرح می‌کنیم: فرض کنیم جرمی در سالیان بسیار دور واقع شده است (برای مثال ۵۰ سال پیش) مسلماً بسیاری از شهود یا فوت کرده‌اند و یا این که جزئیات جرم ارتكابی را به طور کامل به یاد ندارند و حتی ممکن است گذشت زمان باعث دخل و تصرفی در علم و اطلاعات ایشان شده باشد از سوی دیگر گذشت زمان موجب می‌شود وقوع جرم و آثار و تبعات آن از اذهان مردم فراموش نشده مطرح مجدد آن موجب بروز تنش و اضطراب در جامعه خواهد شد و دلایل برای اثبات جرم باقی نمانده است و مسائلی از این قبیل. باین حال عدالت حکم می‌کند وقتی جرمی اتفاق می‌افتد، مجرم شناسایی شده و به مجازات مقرر برای آن جرم محکوم شده و مجازات را تحمل نماید، ولی به دلایل مذکور اجرای عدالت دستگاه قضائی را با مشکلات بسیار زیادی روبرو می‌کند به همین دلیل برای جلوگیری از بروز این مشکلات از اجرای عدالت دست می‌کشیم.

ب- مصلحت جهت تأمین منافع: همان‌طور که در تعریف مصلحت بیان شد، جوهر و اساس مصلحت، منفعت و سود است. در این مصداق از مصلحت دیگر آثار منفی عدالت و در نتیجه عدم اجرای عدالت مطرح نمی‌گردد، بلکه مقصود و هدف تنها و تنها تأمین منافع بیشتر به‌ویژه منافع مادی است. این مصداق از مصلحت در فلسفه مجازات‌ها بیشتر قابل مشاهده است. در نظر جرمی بتام، فیلسوف انگلیسی، در صورتی می‌توان اقدام به اعمال و اجرای مجازات نمود که بتوان برای اجرای مجازات‌ها منفعتی یا سودی تصور کرد (اردبیلی، ۱۴۰۲، ج ۱، ۸۵).

به‌عنوان مقدمه باید بیان داشت اکثر حقوقدانان برای مجازات‌ها اهداف خاصی در نظر گرفته‌اند از جمله: ارعاب، اصلاح، تلافی یا سزا دادن یا مکافات و یا هدف اخلاقی. از آن جایی که عدالت همواره بر اعمال و اجرای قطعی و حتمی مجازات‌ها تأکید می‌کند، خواه منافع مادی برای آن قابل تصور باشد، خواه نباشد، درحالی که این مصداق از مصلحت در فلسفه مجازات‌ها دلالت بر این دارد که مجازات‌ها باید در مواردی اعمال گردند که منافع مادی و محسوس از آن‌ها قابل مشاهده و تصور باشد به نظر می‌رسد این منافع مادی و محسوس عبارتند از: اصلاح و ارعاب یا پیشگیری. به عبارت دیگر منظور از مصلحت در این بخش، آثار و نتایج بعدی است که از اجرای مجازات‌ها قابل تصور است. درحالی که عدالت ناظر به گذشته است و مجازات کردن فرد به دلیل خطای گذشته او می‌باشد. همچنین گاهی برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها و جلوگیری از صرف منابع دست از اجرای عدالت می‌کشیم در اینجا دیگر اجرای عدالت مشکل‌آفرین نبوده و آثار منفی و تبعاتی به دنبال ندارد بلکه برای تأمین منافع بیشتر از تحقق عدالت جلوگیری می‌کنیم. در مواردی چون آزادی مشروط و یا تعلیق اجرای مجازات این مصداق از مصلحت مشاهده می‌شود. یکی از مواردی که همواره برای توجیه آزادی مشروط و همچنین تعلیق اجرای مجازات بیان شده است صرفه‌جویی در هزینه‌های لازم برای اجرای مجازات‌ها است. درحالی که عدالت حکم می‌کند این هزینه‌ها برای تحقق و اجرای عدالت صرف شود (خاکزاد، ۱۳۸۹، ۲۵).

ج- مصلحت در راستای تغییرات ساختاری جامعه: علاوه بر دو مصداق ارائه شده برای مصلحت، مصداق سوم نیز قابل تصور است. این مصداق از مصلحت عبارت است از: تغییرات همه‌جانبه جامعه انسانی اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به‌ویژه صنعتی که به وجود آورنده نیازهای جدیدی هستند. در مواردی اهمیت این نیازها و تغییرات ایجادکننده آن‌ها به حدی است که عدم پاسخگویی یا پاسخگویی نامناسب می‌تواند مشکلات بسیاری را برای فرد یا اجتماع رقم زند. باید در توضیح این عبارت بیان داشت: اجتماع بشری همواره در ابعاد مختلف خود با گسترش و پیشرفت تدریجی روبرو بوده و می‌باشد. این گسترش و پیشرفت در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و صنعتی و ... موجب بروز نیازهای جدیدی شده است. برای پاسخگویی به این نیازهای جدید قانون‌گذاران به وضع قانون پرداخته‌اند. به عبارت دیگر تغییرات جامعه بشری، نیازهای جدیدی می‌افریند

به گونه‌ای که ادامه حیات اجتماع و همچنین استحکام روابط و پایه‌های جامعه مستلزم پاسخگویی و برآوردن این نیازها می‌باشد (فیض، ۱۳۸۹، ج ۲، ۱۴۹).

مصلحت در اسلام به عنوان مبنای جرم انگاری برای جرم انگاری‌های با استفاده از هوش مصنوعی اعتبار می‌یابد. در نتیجه مصلحت عمومی اصلی کلی است که قانون‌گذاران باید تابع آن باشند و بسته به نوع مصلحتی که قانون‌گذار برای حمایت از آن دست به جرم انگاری می‌زند، این اصل ممکن است تحت سیطره اصول دیگر قرار گیرد. لذا از مصلحت نمی‌توان به عنوان اصلی کاملاً مستقل یاد کرد. بنابراین با توجه به سیر تاریخی حقوق کیفری باید گفت که بخشی از ارزش‌ها از نخستین قانون‌گذاران جوامع بشری به ما ارث رسیده، که بیشتر مبانی و اصول جرم انگاری در وهله اول در پی توجیه آن‌ها و پس از آن به دنبال یافتن چرایی رفتارهای مورد جرم انگاری جدید هستند و از این‌روست که با تنوع رفتارهای مورد نهی قوانین کیفری برای توجیه سیاست جنایی نظام حقوقی خاص نمی‌توان تنها به یک اصل یا مبنا اکتفا نمود. چنان‌که میدانیم مباحث مربوط به مبانی و اصول جرم انگاری در ذیل مباحث سیاست کیفری نیز مطرح می‌شود. برخی بزرگ‌ترین عامل تفکیک میان نظام‌های مختلف سیاست کیفری را در ایدئولوژی و به‌طور خاص دینی یا غیردینی بودن آن می‌دانند.

یکی از مصادیق مصلحت عمومی که در تمامی کشورها مورد پذیرش واقع شده است حفظ نظم و آرامش فضای سایبری است. از مهم‌ترین مواردی که باعث حفظ نظم و آرامش جامعه می‌باشد این است که افراد با چشم خود اجرای عدالت را ببینند و در دل، احساس امنیت نمایند. بنابراین رفتارهایی که باعث نقض حقوق افراد می‌گردد و اجرای مشهود عدالت را دچار خلل می‌نماید، مستحق جرم انگاری‌اند. از جمله مهم‌ترین این اقدامات، فرار افراد از اجرای قوانین و مقررات می‌باشند، زیرا این رفتار هرچند در ظاهر هیچ ضرری به خود فرد یا سایر افراد جامعه نمی‌رساند که در قالب اصل ضرر، قابل جرم انگاری باشد، ولی به شدت باعث نقض احساس عدالت در اجتماع می‌گردد و از این حیث، خلاف مصلحت عمومی بوده و لذا در کشورهای مختلف، یک جرم قابل کیفر شناخته می‌شود. از دیگر رفتارهای محل فضای مجازی که در قالب این اصل، قابل مجازات شناخته می‌شود، جرم افشای اسرار و اسناد محرمانه خصوصی است، زیرا این رفتار اگر هم در فروضی به‌طور مستقیم ضرری را متوجه افراد نسازد، ولی چون این قابلیت را دارد که در تصمیم آینده تأثیر منفی گذارده و فضای مجازی و هوش مصنوعی را از هدف غایی دور سازد، قابلیت جرم انگاری خواهد داشت (ورویی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۹).

۴- اصل رفاه

در زمره بدیهی و عمده‌ترین اصول و مبانی جرم انگاری اعمال و جرائم با استفاده از هوش مصنوعی، اصل دفاع از منافع و مصالح عمومی (اصل رفاه) است، تا جایی که می‌توان نقش حقوق کیفری را در تأمین ضابطه‌مند و نهادین نظم اجتماعی یعنی نظمی که برای تداوم و بقای جامعه ضرورت دارد، خلاصه نمود. بر این مبنا، اندیشمندان و حقوقدانان یکی از اصول محدودکننده آزادی را اصل نفع رسانی به دیگری می‌دانند که عمل به آن برای تدارک و فراهم نمودن منافع سایر اشخاص، جز فردی که آزادی یا حقوق او محدود شده، ضروری است. بر این اساس، اصل رفاه را می‌توان به پاسداری و حمایت کردن از وابستگی‌های اساسی ملت، نظیر حفظ و مراقبت از ایمنی، سلامت، توانایی و امکان در پی گرفتن سبک زندگی شخصی به انتخاب خود فرد تعریف نمود. بدین‌سان حتی زمانی که آسیب‌های مذکور مستقیماً متوجه فرد معین است، عملی ضداجتماعی تلقی می‌شوند، به دلیل آنکه به نظمی که جامعه برقرار کرده است، آسیب می‌زنند، زیرا ورای منافع خصوصی بزه دیدگان اصلی جرائم، منافع و ارزش‌های اجتماعی نیز آسیب می‌بینند، از این‌رو حتی زمانی که اقدامات مجرمانه، منافع خصوصی اشخاص را مورد تعدی و تجاوز قرار می‌دهند، این گونه اعمال به دلیل آن‌که نظام اجتماعی را مخدوش ساخته‌اند و خطوط قرمز و هنجارهای حاکم بر اجتماع را زیر پا گذارده‌اند، ضداجتماعی تلقی می‌شوند. لزوم رعایت نظم عمومی و حفظ نظام اجتماعی در فضای مجازی،

مهم‌ترین عرصه‌ای است که اصل رفاه در آن به فعالیت می‌پردازد. نظم عمومی عبارت است از: لزوم تأمین مصالح و منافع که برای حفظ نظام اجتماعی ضروری هستند (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ۵۱).

قاعده نظم عمومی را اخلاق، مذهب، ساختار اقتصادی، نظام حقوقی و سیاسی و فرهنگ ملی در هر قوم فراهم می‌آورد. چنانکه نظام جامعه سرمایه‌داری با سوسیالیستی یکسان نیست، چراکه قواعد و ارزش‌های مبنای نظم در آن‌ها گوناگون است. به‌طور کلی تمامی امور مربوط به منافع عمومی و مصالح اجتماعی در حیطه قلمرو نظم عمومی جای می‌گیرند و عوامل مخد در این موضوع که سبب آسیب به جامعه می‌شوند، خلاف مصالح و نظم عمومی محسوب می‌شوند و آن‌ها را می‌توان بر مبنای اصل رفاه، مورد جرم انگاری قرارداد. بر این اساس جرائم با استفاده از هوش مصنوعی با توجه به آسیب به منافع اجتماعی و مصالح آن، خلاف نظم عمومی محسوب شده و برابر اصل رفاه مورد جرم انگاری قرار می‌گیرند (فرجیها و علمداری، ۱۳۹۶: ۱۰۲).

نتیجه‌گیری

با پیشرفت روزافزون هوش مصنوعی، شاهد ظهور جرائم نوینی هستیم که با استفاده از این فناوری نوین صورت می‌پذیرند. این موضوع، ضرورت جرم انگاری این نوع جرائم را به‌منظور حفظ نظم و امنیت جامعه و حمایت از حقوق افراد، آشکار می‌کند. برای بررسی امکان‌پذیری جرم انگاری جرائم مرتبط با هوش مصنوعی، باید به مبنای حاکم بر جرم انگاری توجه کرد. برای مثال، می‌توان به اصول ضرورت و مصلحت توجه کرد. بر مبنای اصل ضرورت، جرم انگاری یک رفتار زمانی مجاز است که ضرورت اجتماعی برای آن وجود داشته باشد. در ارتباط با جرائم ارتكابی با استفاده از هوش مصنوعی، پیامدهایی که به دنبال دارد، ضرورت جرم‌انگاری این اعمال را آشکار می‌سازد. با توجه به مبنای حاکم بر جرم انگاری، می‌توان جرائم ارتكابی با استفاده از هوش مصنوعی را جرم انگاری کرد. زیرا این جرائم می‌توانند به نظم و امنیت جامعه آسیب برسانند، این جرائم می‌توانند حقوق افراد را نقض کنند، ضرورت اجتماعی برای جرم انگاری این جرائم وجود دارد، مصلحت جامعه اقتضای جرم انگاری این جرائم را دارد. اما مبنای مختلفی در جهت جرم انگاری جرائم ارتكابی با استفاده از هوش مصنوعی قابل‌بیان و بررسی است. یکی از مهم‌ترین این اصول، اصل ضرر است. این اصل بر این اساس است که جرم زمانی رخ می‌دهد که فعلی به‌طور عمدی یا غیرعمدی به حقوق یا منافع دیگری آسیب برساند. در مورد جرائم مرتبط با هوش مصنوعی، ضرر می‌تواند به اشکال مختلفی مانند آسیب فیزیکی، آسیب اقتصادی، آسیب به حریم خصوصی یا آسیب به شهرت باشد. اصل دیگر، پدرسالاری حقوقی است. این دیدگاه بر این باور است که قانون باید از افراد در برابر آسیب‌هایی که توسط دیگران، چه انسان و چه ماشین، به آن‌ها وارد می‌شود، محافظت کند. در مورد جرائم مرتبط با هوش مصنوعی، این دیدگاه به دنبال ایجاد قوانینی است که مسئولیت را به‌طور واضح مشخص کند و به قربانیان جرائم مرتبط با هوش مصنوعی امکان جبران خسارت را بدهد. از دیگر اصول قابل‌طرح در این خصوص، اخلاق‌گرایی حقوق است. این دیدگاه بر این باور است که قانون باید بر اساس اصول اخلاقی بنا شود. در مورد جرائم مرتبط با هوش مصنوعی، این دیدگاه به دنبال ایجاد قوانینی است که با ارزش‌هایی مانند عدالت، انصاف و احترام به حقوق بشر همسو باشد و نهایتاً می‌توان به موضوع قدرت و مصلحت در جرم انگاری جرائم هوش مصنوعی استناد نمود. این دیدگاه بر این باور است که قانون ابزاری برای اعمال قدرت و حفظ نظم اجتماعی است. در مورد جرائم مرتبط با هوش مصنوعی، این دیدگاه به دنبال ایجاد قوانینی است که به نفع جامعه باشد و از سوءاستفاده از هوش مصنوعی برای اهداف مجرمانه جلوگیری کند.

منابع

- آقابابایی، حسین (۱۳۸۴)، قلمرو امنیت در حقوق کیفری، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
- ابوذری، مهرانوش (۱۴۰۱). تأثیر هوش مصنوعی در کیفیت تحقیقات جنایی. مجله حقوق فناوری‌های نوین، سال ۳، شماره ۶.
- جوان جعفری، عبدالرضا (۱۳۸۵)، جرائم سایبر و چالش‌های نوین سیاست کیفری، مجموعه مقالات همایش جهانی شدن حقوق و چالش‌های آن، دانشگاه فردوسی، مشهد.
- حاجی ده آبادی، احمد و حاجی ده آبادی، محمدعلی (۱۳۹۲)، بررسی مبنای ضرر در جرم انگاری تجاوز جنسی با رویکردی به فقه امامیه، پژوهش‌های حقوق کیفری، شماره ۲.
- حاجی ده آبادی، احمد و سلیمی، احسان (۱۳۹۳)، اصول جرم انگاری در فضای سایبر (با رویکردی انتقادی به قانون جرائم رایانه‌ای)، فصلنامه علمی پژوهشی مجلس و راهبرد، شماره ۸۰.
- خاکزاد، محسن (۱۳۸۹)، موازین حقوق بشری و تقابل منافع فرد و جامعه در فرایند کیفری، پژوهش‌نامه حقوقی، شماره ۱.
- راسخ، محمد (۱۳۸۷)، حق و مصلحت، نشر نی، تهران.
- رضوی، محمدرضا (۱۳۹۶)، آشنایی ضابطان با قوانین کیفری، انتشارات رسا، تهران.
- فرجیها، محمد و علمداری، علی (۱۳۹۶)، مطالعه تطبیقی معیارهای جرم‌انگاری در فضای سایبر در نظام کیفری ایران و آلمان، مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۲.
- فیض، علیرضا (۱۳۷۵)، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران.
- قایدرحمتی، الهام (۱۳۹۵)، نقش شبکه‌های اجتماعی در جرم‌زدایی، اولین همایش ملی آینده‌پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴)، فلسفه حقوق، انتشارات شرکت سهامی انتشار، تهران.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۶)، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجد.
- نوربها، رضا (۱۳۹۴)، زمینه حقوق جزای عمومی، نشر دادآفرین، تهران.
- ورورایی، اکبر و همکاران (۱۳۹۳)، تأثیر اخلاق در جرم انگاری و جرم‌زدایی در نظام حقوق کیفری اسلامی ایران، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۸.

Criminalization of Emerging Crimes Utilizing Artificial Intelligence

Saber Salehnezhad Behrestaghi^۴, Sara Soufi^۵, Ali Heydari Parchkahi^۶

Abstract

Recent advancements in artificial intelligence (AI) have brought new opportunities to human society. However, these advancements have also introduced new risks and challenges. One of these challenges is the rise in crimes related to AI. As the use of new technologies expands, identifying and combating emerging crimes has become particularly important. The criminalization of these crimes is essential to protect individual rights, maintain community security, and prevent the spread of illegal activities in cyberspace. Failure to criminalize these crimes can lead to their increase and cause serious harm to society. AI-related emerging crimes are those associated with new technology, arising from its use, such as phishing, pharming, internet gambling, and internet fraud. The novelty and emergence of this technology and the crimes committed in this field imply that some of these crimes are not yet reflected in the legislature's thoughts and thus have not been criminalized. This research, conducted through a descriptive-analytical method, seeks to examine the possibility of criminalizing crimes committed using AI. The findings of the research indicate that, considering the crimes committed through AI, it is possible to argue for the criminalization of these types of crimes based on various principles. In other words, according to principles such as the no-harm principle, public interest, and others, it is possible to advocate for the criminalization of emerging crimes.

Keywords: Artificial Intelligence, Criminalization, New Technologies, Pharming, Phishing.

^۴ Ph.D, Department of Philosophy of Education, Shahid Muftah Branch, Farhangian University, Tehran, Iran (Responsible Author)

^۵ Master's degree, Department of Criminal Law and Criminology, Campus Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

^۶ Master's degree, Curriculum Planning, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran